



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سخنراڻي

غدير

روز مولويت مولا

حجة الاسلام حامد کاشاني

موسسه تحقيقات رايانه‌اي قائميه اسفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر روزِ مولویتِ مولا

نویسنده:

حامد کاشانی

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غدیر؛ روزِ مولویتِ مولا
۶	مشخصات مقاله
۶	اشاره
۶	مقدمه
۷	غوغای یک مسیحی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه
۱۱	اطعام غدیر را جدی بگیریم
۱۳	ماجرای غدیر چیست؟
۲۷	درباره مرکز

روز پنجشنبه مورخ 07 مرداد ماه 1400

و مصادف با عید سعید غدیر، مراسمی در هیئت ریحانه الحسین سلام الله علیها با سخنرانی «حجت الاسلام کاشانی»

با موضوع «غدیر؛ روز مولویتِ مولا» برگزار گردید که مشروح این جلسه تقدیم حضورتان می گردد.

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

ص: 1

اشاره

صوت

.Your browser does not support the audio tag

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«أَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ». (1)

«رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي». (2)

«اللَّهُمَّ وَانْطِقْنِي بِالْهُدَى وَالْهَمْنِي التَّقْوَى». (3)

ص: 1

1-1- سوره ی غافر، آیه 44

2-2- سوره ی طه، آیات 25 تا 28

3-3- الصّحیفه السّجّادیّه، ص 98

مقدمه

شاید توقع مخاطبین و مستمعین این باشد که من امشب از فضائل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بگویم، ولی دعب بنده در شب و روز غدیر این است که از فضائل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نمی گویم، چون این کار را خیانت به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می دانم، ان شاء الله در مداحی مدح حضرت را خواهند خواند.

شب و روز غدیر روز فضیلتِ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نیست که بگوییم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شجاع و اشجع و اعلم و آقا و بامرام و باوفا و باصفا و... بودند، کسی مخالف این ها نیست، بلکه دیگران که به مراتب از ما دورتر هستند بیشتر از این ها را هم گفته اند.

غوغای یک مسیحی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه

مسیحی داریم که یک قصیده با یک قافیه، شش هزار بیت گفته است که یک کتاب است.

مسیحیانِ عرب... چون حجاب زبان عربی باعث شده است که ممکن است ما جان کلمات حضرت را به خوبی متوجه نشویم، شما فرض کنید کسی شعر حافظ و سعدی را برای شما به فارسی ترجمه کند و بنویسد، مانند آن چیزهایی که در مدرسه زیر ابیات می نوشتیم، آن چیزی که زیر بیت می نوشتیم اصلاً جذاب نبود،

ص: 2

اما خود آن بیت خیلی روح داشت. کلام امیرالمؤمنین صلوات الله علیه ادبای مسیحی را شگفت زده کرده است، آن ها از ما بهتر و بیشتر گفته اند، در واقع باید در طول سال مدح امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را بگوئیم، ان شاء الله خدای متعال روزی کند جلساتی که هفتگی و ماهانه و مناسبتی فضائل امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بگویند، و هر چه هم که بگوئیم کم است و تمام هم نمی شود.

همانطور که قرآن کریم تحدی کرده است که اگر می توانید مانند آن را بیاورید، قرآن کریم چند مرتبه فرموده است که «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ» (1) اگر می توانید یک سوره بیاورید. خود امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هم تحدی کرده اند که احدی در این عالم نمی تواند فضیلت من را بگوید، فرمودند: «لَا يَرْقَىٰ إِلَيَّ الطَّيْرُ» (2) مرغ توهم شما هرچقدر هم که پرواز کند به اوج من نمی رسد. خود امیرالمؤمنین صلوات الله علیه از ابتدا فرموده اند که از این وهم بیرون بیاید.

منتها نکته این است که امیدوارم ان شاء الله ما از این مسیحی نسبت به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بی معرفت تر نباشیم.

ما اگر گاهی یک مجلس برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بگیریم و صد عدد غذا بدهیم یا ده میلیون تومان خرج کنیم، اگر دو کتاب بخوانیم، اگر بیست ساعت وقت بگذاریم و یک کاری کنیم می گوئیم: آقا جان! ما یک غدیر یک کاری برای شما کردیم، شما ما را در صراط فراموش نکنید.

معرفت این مسیحی را ببینید، از همه ی این شش هزار بیت که با یک قافیه سروده است... در تاریخ ادبیات عرب این قصیده از نظر طولانی بودن یا اولین قصیده

ص: 3

1 - 4. سوره مبارکه بقره، آیه 23 (وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ)

2- 5. الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، جلد 2، صفحه 420 (قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّعْفَرَانِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ حَدَّثَنِي بِهِ قَبْلَ ذَهَابِ بَصَرِهِ وَقَالَ أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ وَثِيْقٍ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا بِهِذَا الْأِسْمِ نَادَىٰ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الرَّحْبَةِ إِذْ تَنَفَّسَ الصَّعْدَاءُ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَقَدْ تَمَمَّصَتْهَا ابْنُ أَبِي فُحَّافَةَ وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلَّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى يَنْحَدِرُ عَنِّي السَّيْلُ وَلَا يَرْقَىٰ إِلَيَّ الطَّيْرُ وَ لَكِنْ سَدَلْتُ دُونَهَا ثَوْبًا وَ طَوَيْتُ عَنْهَا كَشْحًا وَ طَفَقْتُ أَرْتَبِي مِنْ أَنْ أُصُولَ بِيَدِ جَدَّاءٍ أَوْ أُصْبِرَ عَلَىٰ طَخِيهِ عَمِيَاءَ تَرْضَعُ [يَشِيْبُ] فِيهَا الصَّغِيرُ وَ يَذْبُ فِيهَا الْكَبِيرُ وَ يَكْدَحُ فِيهَا مُؤْمِنٌ حَتَّىٰ يَلْقَىٰ رَبَّهُ فَرَأَيْتُ الصَّبْرَ عَلَىٰ هَاتَيْنِ أَحَجَىٰ فَصَبْرْتُ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَىٰ وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا مِنْ أَنْ أَرَىٰ تُرَائِي نَهْبًا إِلَىٰ أَنْ حَضَرَ رِثَةُ الْوَفَاءِ فَأَذَلِّي بِهَا إِلَىٰ عُمَرَ بَعْدَ وَفَاتِهِ لَسَدَّ مَا شَطْرَ ضَرْعَاهَا شَتَانَ مَا يَوْمِي عَلَىٰ كُورِهَا وَ يَوْمَ حَيَّانِ أَخِي جَابِرٍ فَصَبْرَتْهَا وَ اللَّهُ فِي نَاحِيهِ حَسَنَاءٌ يَحْفِقُ مَسْهًا وَ يَغْلُظُ كَلِمَهَا وَ يَكْثُرُ الْعِنَاؤُ وَ يَقِلُّ الْأَعْتِدَاؤُ صَاحِبُهَا مِنْهَا كَرَائِبُ الصَّعْبَةِ إِنْ أَشْنَقَ لَهَا حَرَمٌ وَ إِنْ أَسْلَسَ لَهَا تَعَحَّمُ فَمُنَى النَّاسِ لِعَمْرِ اللَّهِ بِخَبْطٍ وَ شِمَاسٍ وَ تَلْوُنٍ وَ اعْتِرَاضٍ إِلَىٰ أَنْ حَضَرَ رِثَةُ الْوَفَاءِ فَجَعَلَهَا سُورَىٰ بَيْنَ يَدَيِ جَمَاعَةٍ رَعَمَ أَنِّي أَحَدُهُمْ فَيَا لَشُورَىٰ وَ لَه [لَلَّهِ وَ لِلشُّورَى] بِهِمْ مَتَىٰ اعْتَرَضَ فِي الرَّيْبِ مَعَ الْأَوَّلِ حَتَّىٰ إِنِّي لَأَنْ [الآن] يَقْرُنُ بِي هَذِهِ النَّظَائِرُ لَكِنْ سَدَفَقْتُ إِذْ سَدُّوا وَ طَرَّتْ إِذْ طَارُوا وَ أَصْبِرَ عَلَىٰ طُولِ الْمِحْنَةِ وَ انْقِضَاءِ الْمُدَّةِ فَمَالَ رَجُلٌ لِيْضَ غِنَاهُ وَ أَصْنَعِي آخِرَ لِيْصِهْرِهِ مَعَ هُنَّ وَ هُنَاتِ إِلَىٰ أَنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجًا حَصْنَةً بَيْنَ نَيْلِهِ وَ مُعْتَلِفِهِ وَ شَرَعَ مَعَهُ بَنُو أَبِيهِ يَهْضِمُونَ مَالَ اللَّهِ هَضْمَ الْأَيْلِ نَيْتَهُ الرَّبِيعَ إِلَىٰ أَنْ تَرَبَّ بِهِ مَصِيْلُهُ فَأَجْهَزَ عَلَيْهِ سُوءَ عَمَلِهِ فَمَا رَاعَيْتُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا وَ هُمْ رَسَلُ إِلَيَّ كَعَرَفِ الصَّنْبَعِ فَسَأَلُونِي أَنْ أَبَايَعَهُمْ وَ انْتَالُوا عَلَيَّ حَتَّىٰ لَقَدَّ وَ طِيَّ الْحَسَنَانِ وَ انْشَقَّ عَطْفَاهُمَا فَلَمَّا

نَهَضْتُ بِالْأَمْرِ نَكْثًا شَدِيدًا وَمَرَقْتُ طَائِفَهُ وَفَسَقَ آخَرُونَ كَانَتْهُمْ لَمْ يَسْمَعُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَقُولُ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فُسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ بَلَىٰ وَاللَّهِ لَقَدْ سَمِعُوا وَلَكِنْ إِحْلَوْلَتْ دُنْيَاهُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ وَرَاقَهُمْ زِبْرُجَهَا أَمَا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأ النَّسَمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ النَّاصِرِ وَزُورُ الْحُجَّهِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْأَوْلِيَاءِ الْأُمْرَاءَ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ أَوْ سَعْبِ مَظْلُومٍ لَأَرْسَلْتُ حَبَلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَلَسْتُ قَمِيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا وَلَا لَفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَادٌ عَدِيدٌ مِنْ عَفْطِهِ عَنزٍ قَالَ قَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ السَّوَادِ فَنَاقَلَهُ فَقَطَعَ كَلَامَهُ قَالِ ابْنُ عَبَّاسٍ فَمَا أَسْفُتُ عَلَى كَلَامٍ وَلَا تَفَجَّعْتُ كَتَفَجَّعِي عَلَى مَا فَاتَنِي مِنْ كَلَامِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ حَاجَةِ السَّوَادِيِّ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَوْ إِطْرَدْتُ مَقَالَتَكَ مِنْ حَيْثُ أَفْضَتَ إِلَيْهَا قَالِ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ يَا ابْنَ عَبَّاسٍ كَانَتْ شِقْمِي مَعَهُ هَدَرْتُ ثُمَّ قَرَّتْ .

است یا دومین قصیده، توجه کنید که مثنوی نیست بلکه قصیده است، یعنی شش هزار بیت با یک قافیه راجع به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه سروده است، من فقط دو بیت آن را می خوانم، ان شاء الله خدای متعال به اندازه ی این مسیحی به ما ادب یاد بدهد، ما یک مجلس برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می گیریم و صد مرتبه با حضرت حساب می کنیم! اگر کسی تمام دارایی خود را خرج امیرالمؤمنین صلوات الله علیه کند ده مرتبه با حضرت حساب می کند، اگر فردا پانصد عدد غذا بدهد ده مرتبه با حضرت حساب می کند، این شخص می توانسته است طولانی ترین قصیده را راجع به حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام بگوید اما برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه گفته است، بعد ادب او را ببینید، می گوید:

وَ أَصْفَحَ أَبَا حَسَنِ عَمَّنْ تَجَرَّأَ عَن *** حُبِّ عَلِيٍّ مِدْحَهُ تَسْمُو مَبَانِيهَا (1)

ای ابالحسن! یا علی! ببخشید که گستاخی کردم، حُب و عشقی که به تو داشتیم باعث شد با این دهان ناپاک خودم از تو حرف بزنم.

تو اجازه داده ای... اگر کسی قدمی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بردارد حتماً امام رضا علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اذن داده اند، اگر کسی قدمی برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه برمی دارد باید از خوشحالی به شگفت دریاید که اذن داده اند.

من قبلاً هم عرض کرده ام، صد برابر بیشتر اجازه می دهند برای حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه خرج کنید، اما به هر کسی اجازه نمی دهند برای امیرالمؤمنین صلوات الله علیه خرج کند، حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها مدافع امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هستند، امیرالمؤمنین صلوات

ص: 4

الله علیه نیازی به مدافع ندارند.

خلاصه اینکه می گوید: ای ابالحسن! ببخشید که من گستاخی کردم و بر حسب حبی که به تو داشتم با این دهان ناپاک و قلم شکسته راجع به تو حرف زدم.

لَوْ لَمْ أَكُنْ طَامِعًا فِي رَحْبِ صَدْرِكَ مَا *** حَاوَلْتُ وَاللَّهِ أَنْ أُرْوِي قَوَائِمَهَا

اگر طمع نداشتم که مورد رضایت تو و مورد عنایت تو واقع بشوم، به خودم اجازه نمی دادم که در مورد تو سخن بگویم، از من بپذیر.

من به کرم تو امید داشتم که نوشته ام، وگرنه این ها که ارزشی ندارد، ممکن است به چشم دیگران بیاید اما...

اگر کسی بخواهد هفتصد و پنجاه صفحه کتاب لطیفه هم بنویسد باید مدتی وقت بگذارد تا چیزی بنویسد، همینکه ما را راه داده ای، همینکه به ما اجازه داده ای که راجع به تو حرف بزنیم، راجع به تو بشنویم، لحظاتی راجع به تو بگوییم... ما چه کسی هستیم که بخواهیم از تو دفاع کنیم؟

اطعام غدیر را جدی بگیریم

موضوع غدیر چیست؟

سخاوت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که دعوا ندارد، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نه بد اخلاق بوده اند، نه بی کرم بوده اند، دعوا بر سر چیست؟ الآن در همه ی جهان اسلام فقط در نقاطی که شیعیان زندگی می کنند جشن است. اگر من الآن به هر کدام از شما عزیزان ده هزار تومان پول بدهم ده مرتبه از من تشکر می کنید، امروز صبح به یک مدرسه ای رفته بودم که به هر کدام از آن ها ده هزار تومان عیدی دادم، ده مرتبه از من تشکر کردند، بعد مسئولین آن مدرسه دوباره پیغام دادند. نه اینکه آن ها گدا باشند، اگر شما هم به من هزار تومان عیدی بدهید من از

ص: 5

شما تشکر می‌کنم.

الآن شب غدیر است که خدای متعال می‌فرماید «اتمام نعمت» است، نه اینکه نعمت باشد.

یک زمانی من می‌گویم «اتمام نعمت»، لفظ «اتمام» را به اندازه‌ی فهم خودم می‌گویم، اما زمانی است که خدای متعال می‌فرماید که «أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (1) نعمت را تمام کردم. این یعنی چه؟ یعنی نعمتی بالاتر از این ندارم که بدهم. خدای قَدَرِ قدرتِ حکیمِ قادرِ متعال، اگر بالاتر از این نعمت داشت معنی نداشت که بفرماید «أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي».

ولی امشب در جهان اسلام جشن نیست، البته جای تأسف است که در ایران و بین شیعیان هم کم است.

ان شاء الله خدای متعال روزی ما را چنان فهیم کند که شب عید غدیر و روز عید غدیر کاری کنیم که لازم نباشد هیچ خانه‌ای در کشور ما غذا درست کنند، یعنی مانند اربعین بشود، بلکه بعد طمع ما بیشتر بشود و بگویم یک عید غدیری به همه‌ی خاورمیانه غذا می‌دهیم، خیلی مانده است که ما به اندازه‌ی اولیاتِ وظیفه‌ی خودمان انجام بدهیم، آن هم با آن کاری که با ما کرده‌اند، آن بزرگواران خیلی کَرَم دارند.

کسی که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها مدافع او بوده است، نیازی به من و شما ندارد، ولی از روی کَرَم خودشان و چون نمی‌خواهند ما جا بمانیم گفته‌اند اگر روز عید غدیر به یک نفر غذا بدهید انگار که تمام انبیاء و صدیقین بر سر سفره‌ی تو هستند. «تمام صدیقین» یعنی امام زمان ارواحنا فدا، یعنی صدیق اکبر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه، یعنی امام رضا علیه السلام، یعنی صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها،

ص: 6

1-7. سوره مبارکه مائده، آیه 3 (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدًا وَالْحَمُّ الْخِنْزِيرُ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْوَاجِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَمْسُ السَّيِّئِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَحْمَصِهِ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ)

و ما غافل هستیم، بخدا باید رستوران ها و فست فودها فردا غذا کم بیاورند، برای اینکه آیا ما دوست ندارم که حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها بر سر سفره ی ما بنشینند؟ به یک نفر غذا بدهید! باید چه چیزی می فرمودند که ما یک تکانی بخوریم؟ خیلی مانده است که ما به اولیات حُب برسیم.

ماجرای غدیر چیست؟

ماجرای غدیر چیست؟ ماجرای غدیر این است که دو نگاه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم بود، و من هم چون دوربین ها هستند و پخش زنده هست با نود درصد سانسور با شما صحبت می کنم که بی دعوا و دردسر باشد، عرایض بنده بیش از پنجاه سند درجه ی یک هم دارد که باید در زمان و جای مناسب تقدیم شود.

زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دو نگاه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم داشتیم، یک نگاه می گفت پیغمبر مانند ماست، یک انسان عادی است، شانس او زده است... البته من کمی در الفاظ خود مبالغه می کنم که بحث را خوب ارائه کنم، چون اگر بخواهم توضیح بدهم هم طول می کشد و هم اینکه بنده قصد ندارم واضح صحبت کنم.

باور آن ها این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم به طور اتفاقی پیامبر شده است، هر کس دیگری هم می توانست پیامبر باشد. برای بعضی از خلفای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم گفته اند که اگر به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم وحی نشده بود این شخص پیغمبر می شد! یعنی اگر جبرئیل همینطوری به او وحی می کرد

اصلاً این شخص پیغمبر می شد! پس پیغمبر هیچ تفاوتی با بقیه ندارد، او علم چندان زیادی نسبت به بقیه ندارد.

نگاه یک جریان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این نگاه بود.

می گفت: پیغمبر علم چندان ندارد، بیست مرتبه با فلان کس... حال اینکه تاریخ نشان می دهد همان کس توانایی خواندن از روی قرآن کریم را هم نداشت!.. حال می گویند پیامبر با شاگرد خود بحث کرده است و یا اینکه آیه را غلط خوانده است و یا اینکه اصلاً آیه را نفهمیده است!!! توجه بفرمایید: به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وحی نازل شده است اما نعوذبالله نفهمیده است و آن شخص دیگر فهمیده است!

اگر پیامبر شما چنین شخصی باشد همت شما چقدر می کشد که نسبت به او عرض ادب کنید؟

این پیامبر اگر عصبانی بشود فحش می دهد! ممکن است فحش بدهد، ممکن است بر اثر عصبانیت بگوید کسی را بکشید! (نعوذبالله)، پس نباید او را خشمگین کرد!!!

باور می کنید که در حال حرف زدن راجع به نگاه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستیم؟! نعوذبالله عده ای در زمان خود حضرت در مورد ایشان چنین فکر می کردند، بعد از آن هم هنوز بعضی ها همانطور فکر می کنند.

نمی خواهم بگویم امروز همه ی غیرشیعیان اینطور فکر می کنند، ولی متأسفانه این جریان هنوز هستند، کم هم نیستند، الان اصلاً بحث ما شیعه و سنی نیست.

نگاه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دو نوع بوده است، یک پیغمبری که زود عصبانی می شود و زود افسردگی می گیرد و اگر عصبانی بشود به

بالای کوه می رود که خودکشی کند!

توجه کنید که این یک نگاه است، شگفت زده شده اید که چقدر این نگاه عجیب است؟ آیا فکر می کنید راجع به ابوسفیان صحبت می کنم؟ ببینید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چقدر مظلوم هستند، خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند که هیچ پیامبری به اندازه ی من اذیت نشده است.

پیغمبری که آیات قرآن کریم نشان می دهد «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدًا»، (1) پیغمبری که ان شاء الله همه ی ما در روز قیامت خواهیم دید که انبیاء گدای کوی او هستند.

این جریان می گویند اگر این پیامبر افسرده بشود می رود که خودش را از بالای کوه پایین بیندازد، و رفت که بیندازد، او شانس آورد که جبرئیل آمد و نگذاشت این امر محقق شود!!!

این مطلب در صحیح بخاری آمده است، بقیه ی اسناد هم همینطور محکم است، ولی قصد ندارم نام کتب را ببرم.

مجدداً هم تکرار می کنم که بنده قصد ندارم بگویم همه ی غیرشیعیان اینطور می گویند ولی متأسفانه خیلی ها اینطور می گویند.

یک نگاه نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینطور بود که پیغمبر ممکن است پارتی بازی هم کند، ممکن است اعصاب او بهم بریزد، ممکن است حواس او پرت بشود، ممکن است قاطی کند، فراموش می کند وضو بگیرد، ناگهان در نماز اشتباه می کند، در احکام اشتباه می کند، نعوذبالله اصلاً چیزی از دنیا نمی داند، با او مشورت نکنید که او چیزی از دنیا نمی داند.

یک نگاه این است که یک پیغمبری داریم که اگر عصبانی بشود ناگهان دستور می دهد که طرف را

ص: 9

معمولاً صحابه چیزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نمی نوشتند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را استثناء کنید، فقط یک نفر می نوشت که او هم پسر عمر و عاص بود.

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دیدند که او نمی نویسد، علت را از او پرسیدند، او گفت: من عذرخواهی می کنم، نمی دانستم که نباید این ها را بنویسم، چون ممکن است این ها بعداً سند بشوند و بر علیه شما باشد، بالاخره شما هم آدمیزاد هستید و ناگهان عصبانی می شوید و ممکن است فحشی بدهید، برای همین من دیگر نمی نویسم که خیال شما راحت شود!

شما نگاه را ببینید، همیشه باید چند نفر مراقب این پیامبر باشند! ممکن است شیطان خود را بجای جبرئیل جا بزند و پیغمبر اشتباه کند و به بت سجده کند! (نعوذبالله)

من خیلی از این موارد را نمی گویم، من اقرار می کنم که نود و پنج درصد را سانسور کردم، خیلی از این مطالب را اصلاً نمی شود روی منبر گفت، از بس که زشت است متن را در سر کلاس درس می خوانند، اگر اینجا گفته شود انسان باید بر سر خود بزند که بعضی ها این حرف ها را راجع به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفته اند.

راجع به کفار حرف نمی زنم، راجع به بت پرست ها حرف نمی زنم، راجع به یک عدّه از مسلمین حرف می زنم که چنین نگاهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داشتند.

فکر نکنید مثلاً استثنائی بود که روزهای آخر عمر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، وقتی حضرت فرمودند «إِنِّي بَدَاؤِ وَ كَتِفِ»

أَكْتُبَ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِيءَ لَمَّا بَعْدَهُ أَبَدًا» (1) یک نفر گفت درد او زیاد است و (نعوذبالله) معلوم نیست چه می گوید و او را رها کنید... فکر نکنید این موضوع برای مرتبه ی اول رخ داده بود، این موضوع شاید برای مرتبه ی صدم و هزارم بود.

نعوذبالله می گویند که پیامبر وعده ی دروغ داده است! کافی است...

یک نگاه اینطور بود، انصافاً انسان جان خود را فدای چنین آدمی نمی کند. اگر شما هم خودتان را جای کسی بگذارید که چنین نگاهی دارد هنگام جنگ فرار می کنید، چون چنین شخصی که خیلی تحفه نیست. یک نگاه اینطور بود.

این مطلب در صحیح بخاری آمده است که همین کسی که گفت «کتاب خدا کافی» است روزی آمد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفت: یا رسول الله! من بعد از خودم شما را خیلی دوست دارم! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: این اصلاً به درد نمی خورد.

چرا؟ چون اگر جنگ بشود و خطر جدی بشود من را سیبل می کنی و فرار می کنی، چون خودت را بیشتر دوست داری. اگر قحطی بیاید غذا را از من پنهان می کنی، چون شکم خودت را ترجیح می دهی، اگر آب نباشد و فقط یک قمقمه آب باشد، آن را برای خودت نگه می داری، بین فکر من و فکر خودت یا سلیقه ی من و سلیقه ی خودت، ترجیح خودت را می پسندی... تمام این ها بعداً اتفاق افتاد.

یک نگاه این بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تفاوت چندانی با ما ندارد، دیگر بدتر از این را نمی گویم که

ص: 11

1-9. بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، جلد 22 ، صفحه 472 (قب، [المناقب] ، لابن شهر آشوب إبن بَطَّه وَ الطَّبْرِيُّ وَ مُسَلِّمٌ وَ البُخَارِيُّ وَ اللَّفْظُ لَهُ أَنَّهُ سَمِعَ إِبْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ: يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ مَا يَوْمَ الْخَمِيسِ ثُمَّ بَكَى حَتَّى بَلَ دَمْعُهُ الْخَصِي فَقَالَ إِشْتَدَّ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ جَعَهُ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَقَالَ إِتْنُونِي بِدَوَاهٍ وَ كَيْفٍ أَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدَهُ أَبَدًا فَتَنَازَعُوا وَ لَا يُبْغِي عِنْدَ نَبِيِّ تَنَازُعٌ فَقَالُوا هَجَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - وَ فِي رِوَايَةِ مُسَلِّمٍ وَ الطَّبْرِيِّ : قَالُوا إِنْ رَسُولُ اللَّهِ يَهْجُر - يُونُسَ الدِّيْلَمِي : وَصَى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ قَاتِلْهُمْ قَدْ ظَلَّ يَهْجُرُ سَيِّدَ الْبَشَرِ - البُخَارِيُّ وَ مُسَلِّمٌ فِي خَبَرٍ: أَنَّهُ قَالَ عُمَرُ النَّبِيُّ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ وَ عَدَدَكُمْ الْقُرْآنُ حَسَدٌ بِنَا كِتَابُ اللَّهِ فَاخْتَلَفَ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ وَ اخْتَصَمُوا مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ قَرَّبُوا يَكْتُبُ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ كِتَابًا لَنْ تَضِيءَ لَمَّا بَعْدَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ الْقَوْلُ مَا قَالَ عُمَرُ فَلَمَّا كَثُرَ اللَّغْطُ وَ الْإِخْتِلَافُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَالَ قَوْمُوا فَكَانَ إِبْنُ عَبَّاسٍ يَقُولُ إِنْ الرَّزِيَّةَ كُلَّ الرَّزِيَّةِ مَا حَالَ بَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَيْنَ أَنْ يَكْتُبَ لَهُمْ ذَلِكَ الْكِتَابَ مِنْ إِخْتِلَافِهِمْ وَ لَعَطِهِمْ - مُسَلِّمٌ أَبِي يَعْلَى وَ فَضَائِلُ أَحْمَدَ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ فِي خَبَرٍ: وَ الَّذِي تَحْلِفُ بِهِ أُمُّ سَلَمَةَ أَنْ كَانَ آخِرَ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ بَعَثَهُ فِي حَاجَةِ غَدَاةٍ فَبِضْ فَكَانَ يَقُولُ جَاءَ عَلِيٌّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ فَبَجَاءَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَخَرَجْنَا مِنَ الْبَيْتِ لَمَّا عَرَفْنَا أَنَّ لَهُ إِلَيْنَا حَاجَةً فَأَكْبَّ عَلَيْهِ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَكَانَ آخِرَ النَّاسِ بِهِ عَهْدًا وَ جَعَلَ يُسَارُهُ وَ يَنَاجِيهِ .

جسارت نشود. مشت نمونه ی خروار را گفتم.

ما در قرآن کریم یک آیه داریم که می فرماید: «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»... (1)

روح همه ی ماجرای غدیر این است...

«التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به مؤمنان از خود مؤمنان اولی است، یعنی اگر جان من و جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطر بود باید جان خودم را فدای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کنم، اگر من و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرسنه بودیم... او به من نیاز ندارد، «بِيَمِينِهِ رِزْقَ الْوَرَى»، (2) ولی من باید خودم را فدای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کنم، فکر من یا فکر او، شیوه ی من یا شیوه ی او، سیره ی من یا سیره ی او، نظر من یا نظر او، این پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که در همه چیز مقدم است، دیگر مسلماً «حکومت» یکی از موارد است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همه چیز مقدم است، چه کسی حاک باشد؟ مسلماً وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند ایشان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همه چیز مقدم هستند.

مسلمین در معنای آیه «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» اختلاف ندارند، همه ی مسلمین می گویند «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همه ی امور مقدم هستند، اما عملاً خیلی ها به این امر عمل نمی کردند، اگر جنگ می شد فرار می کردند.

در

ص: 12

1-10. سوره مبارکه احزاب، آیه 6 (التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا)

2-11. زیارت جامعه کبیره

جنگ احد یکی از صحابه آنقدر فرار کرد که وقتی جنگ تمام شد سه روز طول کشید که برگردد! یعنی اینقدر رفته بود!!!

مسلماً این شخص باور عملی به «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» ندارد.

فعلاً هم من کاری به خوب یا بد بودن ندارم، می گویم یک نگاه این بود، یک آیه هم داریم که می گوید «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، اتفاقاً مسلمین در مورد معنی این آیه هم هیچ اختلاف نظری ندارند، همه می گویند «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» یعنی باید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در همه ی امور مقدم دانست.

این آیه در ذهن شما باشد، تا من در مورد نگاه دوم هم عرایضی تقدیم کنم.

یک نگاه هم در مقابل داریم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را معصوم می دانند، برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علم الهی قائل هستند، اصلاً در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حرف نمی زنند و پیشنهادی نمی دهند.

بروید و صحیح بخاری را ببینید که این آیه «لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ» (1) در مورد چه کسانی نازل شده است، این آیه می گوید در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم داد نزنید! یعنی نظر دادند و بعد هم فریاد زدند!

بروید و این طرف را ببینید، یک علی بن ابیطالب صلوات الله علیه است که حتی پیشنهاد هم نمی دهد، حرف هم نمی زند، سکوت محض است.

یکی از بهترین شباهت های حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام با پدرشان امیرالمؤمنین صلوات الله علیه این است، چون حضرت ابوالفضل العباس علیه

ص: 13

1-12. سوره مبارکه حجرات، آیه 2 (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ)

السلام زمان معصومین زندگی می کرده اند جملات زیادی از ایشان نمانده است، یعنی ایشان صحبت نمی کردند، نه اینکه اینطور باشد که معاذالله علم نداشته باشند که حرف نزده باشند، بلکه تا زمانی که حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه هستند... حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه در مقابل امام حسن مجتبی صلوات الله علیه صحبت نمی کردند، آیا می شود حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام صحبت کنند؟ حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام یا در زمان امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بوده اند یا در زمان امام حسن مجتبی صلوات الله علیه و یا در زمان حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه، لذا صحبت زیادی از حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام نداریم، یعنی سکوت محض بودند، نه اینکه نتوانند صحبت کنند بلکه سکوت اختیار می کردند.

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که من اینجا عرض کردم مسیحیان بیچاره ی کلام ایشان شده اند... جملات چندانی از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قید نشده است، اگر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه مثلاً در جنگ بدر شهید می شدند هیچ کسی نمی دانست امیرالمؤمنین صلوات الله علیه چنین استعداد حیرت انگیزی بی نظیری در بیان دارند، چون امیرالمؤمنین صلوات الله علیه بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنده ماندند مردم فهمیدند که چه هنری در بیان ایشان است.

روزی یکی از خوارج ملعون به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فحش داد و بعد گفت: «او عجب سخنوری است!!!»، یعنی دشمن او هم نمی توانست منکر این موضوع بشود.

همانطور که وقتی کفار قرآن را می شنیدند فحش می داند و می گفتند «عجب سحری است»، برای چه چنین می گفتند؟ برای اینکه می گفتند حتی روی من

که منکر آن هستم هم اثر می گذارد!

یعنی اگر کسی فقط عرب باشد و ادبیات عرب بداند کفایت می کند که بداند قرآن کریم حیرت انگیز است، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که حقیقت قرآن هستند هم همینطور بودند.

روزی یکی از خوارج ملعون به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فحش داد و بعد گفت: «او عجب سخنوری است!!!».

اگر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در جنگ بدر شهید شده بودند هیچ کسی به چنین استعدادی پی نمی برد.

هیچ کسی مانند امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به این «التَّيِّبُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» عمل نکرد، چند مثال بزنم که ببینید.

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که یدالله هستند، که در خبیر گنده اند، در آن ابتدای زمانی که به مدینه رفته بودند فقیر بودند، حضرت به بیرون مدینه رفتند که برای یک باغداری که شاید یهودی بود آب بکشند. ظرف های خیلی بزرگی بود که شاید چند صدکیلو وزن داشت، به آن ظرف ها «ذَنُوب» می گفتند، با طناب هایی بود که با لیف خرما بود و زیر بود، باید این ها را به یک چاه عمیق می انداختند و آب می کشیدند، دست یدالله هر یک مرتبه که این آب را می کشیدند یک خرما می گرفتند.

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شانزده مرتبه آب کشیدند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه با دست پاره و با شانزده خرما به مدینه برگشتند، اول به در خانه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رفتند، یا رسول الله! این خرماها هست، شما گرسنه هستید... «التَّيِّبُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، و چه بسا امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نرسیده به خانه همه ی خرماها را داده بودند و باز هم بی خرما و با دست پاره به

خانه برگشتند، «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ».

در جنگ احد، که احد باید یک کربلا می شد، خلاصه عرض می کنم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جانبا ز شده بودند و نمی توانستند از جای خویش بلند شوند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه باید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم محافظت می کردند.

زمانی هست که به یک نفر می گویند برو و بجنگ، وقتی می خواهد بجنگد اطراف او خالی است، ولی اگر به یک محافظ بگویند برو و بجنگ دیگر او نمی تواند خیلی تحرک کند، چون آن کسی که می خواهد فدایی او بشود زمین افتاده است، پس مسلماً نمی تواند از او فاصله بگیرد، نهصد و پنجاه نفر هم در مقابل هستند، البته پنجاه نفر پنجاه نفر حمله می کردند، وقتی آن ها حمله می کردند حضرت هم حمله می کردند، اگر نود هزار نفر هم بودند در جنگ تن به تن نفرات جلویی باید در مقابل شمشیر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می جنگیدند، لذا وقتی ده نفر می افتادند مابقی فرار می کردند ولی ضربه هم می زدند، شایان ذکر است که هیچ ضربه ای به پشت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نرسیده است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم آسیب نخوردند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ کردند و دشمن هم به پشت سر امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نرسید، ولی مدام ضربه ی شمشیر اصابت می کرد، شصت ضربه ی شمشیر... وقتی ضربه ی شمشیر اصابت می کرد، به هر کجایی که اصابت می کرد قطع می کرد، بسیاری از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قطع عضو بودند، امیرالمؤمنین صلوات

الله علیه شصت ضربه ی شمشیر خوردند، طوری که پارچه را لوله می کردند و در میانِ ذخم ها می گذاشتند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه خودشان را نگه داشتند تا اینکه جنگ مغلوبه شد و مسلمین برگشتند. هنگامی که خیال امیرالمؤمنین صلوات الله علیه راحت شد که جان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطر نیست از هوش رفتند.

دو خانم مسئول پرستاری امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در مسجد شدند. اگر زخم عفونت کند مسلماً درد به همراه دارد، این ها می آمدند و به امیرالمؤمنین صلوات الله علیه عرض می کردند کجای شما درد می کند؟... این دو خانم آمدند و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند که ما هرچه از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می پرسیم که کجا درد دارید، ایشان چیزی نمی فرمایند، چون می دانند اگر بفرمایند درد دارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باخبر می شوند، برای همین بیان نمی فرمایند، «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ».

یک نگاه این است که «التَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه نسبت هم مسلمین هم اینطور هستند، دیگر نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که مشخص است، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه هرچه دارند خرج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می کنند.

بقیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معجزه می خواستند، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه قبل از این حرف ها و وقتی که هنوز به حسب ظاهر کودک بودند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنوز پیغمبر نبودند فرموده اند: «أَرَىٰ نَوْرَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ»، (1) من وقتی پیامبر اکرم صلی

ص: 17

13-1. نهج البلاغه، خطبه 192 (وَقَدْ عَلِمْتُمْ مَوْضِعِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْقَرَابَةِ الْقَرِيبَةِ، وَالْمَنْزِلَةَ الْخَصِيصَةَ؛ وَضَعْنِي فِي حِجْرِهِ وَأَنَا وَلَدٌ، يَصُدُّهُنِّي إِلَى صَدْرِهِ، وَيَكْتُمُنِي فِي فِرَاشِهِ، وَيُمَسِّنِي جَسَدَهُ، وَيُشِئُنِي عَرَفَهُ. وَكَانَ يَمْضَعُ الشَّيْءَ ثُمَّ يُلْقِمُنِيهِ. وَمَا وَجَدَ لِي كَذِبَةً فِي قَوْلٍ، وَلَا خَطْلَةً فِي فِعْلٍ. وَلَقَدْ قَرَنَ اللَّهُ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - مِنْ لُدُنَ أَنْ كَانَ فَطِيمًا - أَعْظَمَ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَتِهِ، يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ، وَمَحَاسِنَ أَخْلَاقِ الْعَالَمِ، لَيْلَهُ وَنَهَارَهُ. وَلَقَدْ كُنْتُ أَتَّبِعُهُ أَتْبَاعَ الْفَصِيلِ أَثَرُ أُمَّهُ، يَرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عَلَمًا، وَيَأْمُرُنِي بِالْإِقْتِدَاءِ بِهِ. وَلَقَدْ كَانَ يُجَاوِرُ فِي كُلِّ سَنَةٍ بِحِرَاءِ فَأَرَاهُ، وَلَا يَرَاهُ غَيْرِي. وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَدِيجَةَ وَأَنَا ثَالِثُهُمَا. أَرَىٰ نَوْرَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةِ، وَأَشْمُ رِيحَ التُّبْوَةِ. وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَنَّةَ الشَّيْطَانِ حِينَ نَزَلَ الْوَحْيُ عَلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا هَذِهِ الرَّنَّةُ؟ فَقَالَ: هَذَا الشَّيْطَانُ قَدْ أَيْسَ مِنْ عِبَادَتِهِ، إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَىٰ مَا أَرَى، إِلَّا أَنَّكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ، وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خَيْرٍ).

الله علیه و آله و سلم را نگاه می کردند نور رسالت را در او می دیدم، «وَأَشْمُ رِيحَ النَّبِيِّ»، من از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوی نبوت را حس می کردم.

بقیه می گفتند معجزه بیاور تا ما بدانیم که تو پیغمبر هستی، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که معجزه نمی خواستند، بلکه می فرمودند: «أَرَى نَوْزَ الْوَحْيِ وَالرَّسَالَةَ»، خودم نور وحی را در صورت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می دیدم. «إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ، وَتَرَى مَا أَرَى».

ما در زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه داریم: «الَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاطِرَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةَ الْمُنتَهَى»، یعنی از اینجا شجره ی طوبی را می بینی.

اما همین امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در برابر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عبد و عبید بودند، مانند برده بودند. امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اینطور نبودند که پیشنهاد بدهند.

بعد از جنگ احد که بدن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه پاره پاره شده بود، وقتی امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به هوش آمدند و چشم های مبارک خویش را باز کردند دیدند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حال گریه کردن هستند، همینکه چشم مبارک امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم افتاد قریب به این مضمون فرمودند که گریه نکنید، من نمی توانم گریه ی شما را تحمل کنم، «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، من می خواهم فدای شما بشوم.

این «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، که آیه قرآن کریم است و تقریباً همه ی مفسرین شیعه و سنی همین معنایی را که بنده عرض کردم را گفته اند.

گاهی اوقات

ص: 18

«عرب» جملات را در یک کلمه کوتاه می کند، با تسامح عرض می کنم که بحث بنده خیلی علمی نشود که حوصله ی شما سر نرود، مثلاً بجای «بسم الله الرحمن الرحيم» می گوید «بَسْمَلَه»، مثلاً بجای حسن و حسین «حسنین» می گوید، یعنی در واقع تلخیص می کند.

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همه ی امور اولی است و اولویت دارد و مقدم است، عرب به این عبارت «مولا» می گوید. این کلام آنقدر بار دارد که در روایات برادران غیرشیعه ی ما، در صحیح مسلم هست که حتی برده نمی تواند به صاحب خودش چنین کلامی بگوید.

قبلاً برده داری رواج داشت، برده اگر کاسبی می کرد برای صاحبش بود، اگر می خواست ازدواج کند باید صاحب او اجازه می داد، هر کاری که صاحب برده می گفت او باید انجام می داد، صاحب برده در واقع مالک او بود.

در صحیح مسلم روایت دارند که «لَا يَقُولُ الْعَبْدُ لِسَيِّدِهِ مُوَلَّيٌّ»، (1) برده به صاحب خودش «مولا» نگوید، مولا بار دارد، مولا یعنی «أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ».

«النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» یعنی «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ»، «مولا» یعنی «أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»، استدلال این موضوع هم سر جای خود، ما در درس عبات خودمان چهل جلسه در این مورد بحث کرده ایم.

روز غدیر این روز است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را جمع کردند و فرمودند: «أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ»، (2) یعنی «أَلَسْتُ مَوْلَاكُمْ»، مگر من مولای شما نیستم؟ یعنی مگر من «أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» نیستم؟ یعنی من در همه چیز و در همه ی امور، در سبک و شیوه و سیره و همه چیز بر شما

ص: 19

1- 14. صحیح مسلم، جلد 4، صفحه 1764

2- 15. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد 37، صفحه 118 (ب)، [قرب الإسناد]، السُّنْدِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةٌ فِي الْوَلَايَةِ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالذُّوْحَاتِ فِي غَدِيرِ خُمٍّ فَنُفِئَ مَنْ تَمَّ نُوْدَى الصَّلَاةِ جَامِعَةً ثُمَّ قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ قَالُوا بَلَىٰ قَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ رَبِّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ ثُمَّ أَمَرَ النَّاسَ يُبَايِعُونَ عَلِيًّا فَبَايَعَهُ النَّاسُ لَا يَحِيءُ أَحَدٌ إِلَّا بِأَبَعَهُ وَلَا يَتَكَلَّمُ مِنْهُمْ أَحَدٌ ثُمَّ جَاءَ زُفَرٌ وَحَبْرٌ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهٗ يَا زُفَرُ بَايِعْ عَلِيًّا بِالْوَلَايَةِ فَقَالَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ قَالَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ ثُمَّ جَاءَ حَبْرٌ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَايِعْ عَلِيًّا بِالْوَلَايَةِ فَقَالَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ رَسُولِهِ ثُمَّ نَتَى عِطْفَهُ مُلْتَمِعًا فَقَالَ لِرُفْرِ لَسَدَّ مَا يَرْفَعُ بِصَنْعِ ابْنِ عَمِّهِ).

مقدم نیستیم؟ مگر من مولا نیستیم؟ «قَالُوا بَلَى» گفتند: بله!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ»، پس اگر من مولای شما هستم علی هم مولاست. یعنی «عَلَى أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»، نه اینکه علی صاحب حکومت است، حکومت که یک مورد است، امیرالمؤمنین صلوات الله علیه در همه چیز اولویت دارند، حال چه کسی حاکم بشود؟ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه! چه کسی نظر بدهد؟ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه! فدای چه کسی بشویم؟ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه! جان و مال و ناموس و فکر و شیوه ی زندگی و همه چیز خودتان را با چه کسی تنظیم کنید؟ امیرالمؤمنین صلوات الله علیه!

روز غدیر که دعوا درست کرده است، این بود که خیلی ها دوست داشتند این مقام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای آن ها باشد، این مقام موضوع مسئله ی غدیر است.

حضرت فرمودند: «أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ»، یعنی «أَلَسْتُ مَوْلَاكُمْ»، «قَالُوا بَلَى» گفتند: بله! فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ».

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

